

جستارهای مبین (نشریه الکترونیکی مؤسسه مطالعات و تحقیقات مبین)

ISSN 2345-2382

سال پنجم، جستار شماره ۴۸؛ انتشار ۰۷/۰۲/۱۳۹۶

خلق اعتبار، اثر هماهنگی و امکان جهش اقتصادی در نتیجه یک سیاست گذاری پولی توسعه‌ای؛ نقدی بر تحلیل دکتر حامد قدوسی

محسن یزدان‌پناه

پژوهشگر مؤسسه مطالعات و تحقیقات مبین

مشخصات کتاب‌شناختی این اثر:

یزدان‌پناه، محسن (۱۳۹۶). خلق اعتبار، اثر هماهنگی، و امکان جهش اقتصادی در نتیجه یک سیاست‌گذاری پولی توسعه‌ای؛ نقدی بر تحلیل دکتر حامد قدوسی، جستارهای مبین (نشریه الکترونیکی مؤسسه مطالعات و تحقیقات مبین)، سال پنجم، جستار شماره ۴۸. نشانی دسترسی اینترنتی:

<http://jostar.mrsi.ir/Vol.5/jostar48.pdf>

مؤسسه مطالعات و تحقیقات مبین

<http://www.mrsi.ir>

Email: info@mrsi.ir

نشریه الکترونیکی «جستارهای مبین»، به‌طور خاص برای انتشار بخشی از تأملات و تحقیقات پژوهشگران رویکرد «توسعه‌تعالی‌بخش» انتشار می‌یابد؛ ولی موضوع عام این نشریه «مسئله توسعه» است؛ و آثار تألیفی و ترجمه‌ای که با رویکردهای مختلف در موضوع توسعه به نگارش درآمده‌اند نیز در آن منتشر می‌شود. برای دسترسی به مقالات نشریه الکترونیکی «جستارهای مبین» به سایت این نشریه مراجعه کنید.

<http://www.jostar.mrsi.ir>

Email: jostar@mrsi.ir

مؤسسه مطالعات و تحقیقات مبین

«جستارهای مبین»؛ سال پنجم، جستار شماره ۴۸

تاریخ انتشار: ۱۳۹۶/۰۲/۰۷

ISSN 2345-2382

خلق اعتبار، اثر هماهنگی، و امکان جهش اقتصادی در نتیجه یک سیاست گذاری پولی توسعه‌ای؛ نقدی بر تحلیل دکتر حامد قدوسی

محسن یزدان‌پناه

نزدیک به انتخابات ریاست جمهوری، ظاهراً، یکی از نامزدهای محترم وعده دو (یا دو و نیم) برابر کردن درآمد کشور (که به تولید ناخالص داخلی تعبیر شده است) را داده‌اند. این مدعا مورد نقد یکی از صاحب‌نظران ارجمند، جناب دکتر حامد قدوسی قرار گرفت. ایشان معتقدند از آنجا که رشد اقتصادی محدود به (۱) تشکیل سرمایه‌گذاری فیزیکی، (۲) افزایش نیروی کار و (۳) ارتقاء بهره‌وری کل عوامل تولید است، تحقق چنین وعده‌ای ناممکن است. در مقابل، اما، فارغ از هرگونه جهت‌گیری و علقه سیاسی، این نوشتار تمایل دارد استدلال کند که مبانی نظری و کارشناسی برای چنین نوع مدعایی وجود دارد؛ نه از نظر میزان عدد اعلام شده (۲ برابر کردن اقتصاد ظرف مدت ۴ سال)، بلکه از نظر معنادار بودن و ممکن بودن مفهوم "جهش اقتصادی". در این جستار، امکان‌پذیری "جهش اقتصادی" از منظر ترتیبات پولی و اقتصادی که در آن سرمایه‌گذاری با خلق اعتبار پیش‌ران است، تحت عنوان "اثر هماهنگی" با اشاراتی به مفاهیم تخریب خلاق، اقتصاد پولی تولید و حیث التفاتی جمعی، تحلیل می‌شود. عاملی که در عوامل سه‌گانه برشمرده شده در پشتیبانی رشد اقتصادی غایب است.

استیونس^۲ در امریکا و محقق موفقی که گرچه از زمینه مهندسی به دنیای اقتصاد آمده، اما عمق نگاهش به چارچوب‌های درک اتم‌وار محدود نشده و ردپای اخلاق، نهاد و زمینه در اجتماعات

دکتر حامد قدوسی^۱ از اقتصاددانان خوش فکر، متین و صاحب سبک است؛ در تحلیل بازارها، نظریه بازی‌ها، اقتصاد انرژی و البته ابعاد اقتصادی بحران آب در ایران ما. استاد مؤسسه فن‌آوری

۱. لازم است سپاس ویژه خود را از بلندنظری دکتر حامد قدوسی در استقبال از این نقد و ارائه نکاتی فنی که منجر به حکم‌اصلاح برخی از فرازها شد، ابراز دارم. روشن است مسئولیت هرگونه نقصان با نویسنده است.



(۲) برابر کردن درآمد کشور ظرف مدت ۴ سال)، بلکه از نظر معنادار بودن و ممکن بودن مفهوم "جهش اقتصادی". با این دغدغه، باید دید آیا در ادبیات اقتصادی می‌توان محل قابل‌اعتنایی را یافت که از چگونگی "جهش اقتصادی" سخن گفته باشد؟ آیا شواهد تجربی در این زمینه وجود دارد؟ اگر چنین بنایی موجود باشد، آنگاه "جهش اقتصادی" راهبرد اول و ناگزیر اقتصاد ایران برای رهایی از بانلاق معضلاتی است که در آن گرفتار آمده است. در ادامه به چند پایه نظری در این رابطه اشاره می‌شود، با این تأکید که گستره ادبیاتی که بتواند جهش اقتصاد را در رابطه با ترتیبات پولی تبیین کند محدود به این موارد نیست.

نظریه توسعه اقتصادی شومپتر (۱۹۳۴، ۲۰۱۱ [۱۹۱۱]) که به تبیین پدیده "تخریب خلاق" (creative destruction) می‌پردازد پاسخی جدی به این سؤال است. نظریه زنده‌ای که هنوز در مرکز دسته زیادی از بحث و نظرهای اقتصادی قرار دارد. مؤلفه‌های قابل‌توجه مشترکی را می‌توان میان این نظریه با آثار کینز البته در خوانش کامل ترش تحت عنوان اقتصاد پولی تولید (monetary economy of production, see) (for example Gnos 2009)، پساکینزی‌ها، و دیدگاه چرخه پولی یافت. خلاصه ساده شده نظریه این است: در صورتی که اقتصاد کارآفرینانه با خلق اعتبار/پول پشتیبانی شود، می‌تواند از مجرای تخریب ترکیب قدیم (old combination) و استقرار ترکیب جدید (new combination) جهش اقتصادی را رقم زند. شومپتر خود از واژه‌های non-infinitesimal steps

نگارش‌هایش پیداست. روشی کمابیش تکثرگرا که امروز مقبول دسته زیادی از اندیشمندان اقتصادی ذیل سرفصل **Methodological Pluralism** افتاده است. نگارنده از او آموخته و نیاز دارد همچنان از او بیاموزد؛ این نوشتار اما نقدی بر یکی از نوشته‌های اوست در باب نادیده گرفتن اثر ترتیبات پولی بر تمهید رشد شتابنده؛ در اقتصادی که سرمایه‌گذاری با اعتبار تازه خلق شده پیشران است. لازم به تأکید است که این نقد رد صحت دلایل ارائه شده در تحلیل ایشان نیست، اشاره به نادیده گرفتن مؤلفه‌ای مهم است که می‌توان آن را ذیل سیاست‌گذاری پولی توسعه‌ای نام‌گذاری کرد. هفته پیش از ایشان یادداشتی در رابطه با وعده یکی از نامزدهای انتخابات در رابطه با دو (یا دو و نیم) برابر کردن درآمد کشور ظرف ۴ سال به‌طور گسترده‌ای در فضای مجازی بازنشر شد. با این هدف که اگر نامزدها به دنبال بیان وعده‌های جذاب هستند، "وظیفه کارشناسان هم باید این باشد که این وعده‌ها را به عناصر سازنده تجزیه کرده و از نامزدها در مورد الزامات، ظرفیت‌ها و برنامه‌ها برای تحقق آن وعده‌ها سؤال کنند". در این مسیر، ایشان سپس به محدودیت (۱) تشکیل سرمایه‌گذاری فیزیکی، (۲) افزایش نیروی کار، و (۳) ارتقاء بهره‌وری کل عوامل تولید، در نقش آفرینی به دست‌یابی این هدف اشاره کرده و وعده مطرح‌شده را عملاً ناممکن دانسته است. در مقابل اما، فارغ از هرگونه جهت‌گیری و علقه سیاسی، این نوشتار تمایل دارد استدلال کند که مبانی نظری و کارشناسی برای چنین نوع مدعایی وجود دارد؛ نه از نظر میزان عدد اعلام شده



واقعیات نهادی است. پول از آن جهت پول است که ما واحد سنجشی (money of account) را مانند ریال یا دلار در پیوست با یک رد پای فیزیکی - مانند کاغذ منتشره توسط دولت، یا بایت‌های الکترونیکی صادر شده توسط بانک - پول می‌دانیم. مقوم هستی پول باور یا حیث التفاتی جمعی ماست نه ویژگی خاص فیزیکی در عالم خارج.

در فرآیند تخریب خلاق، زمانی که خلق منعطف پول از هیچ به فعالیت کارآفرینانه‌ای هدایت شود که در آن رهبران اقتصادی شخصیت و انگیزه لازم را برای تخریب ترکیب قدیم و برپایی ترکیبی نو دارند، دیگر با خلق پول می‌توان رشدی جهش‌وار را سبب شد، و البته بدون نیاز به پس‌انداز قبلی. اقتصاد با خلق اعتبار رشد کرده و جلو می‌رود، آنگاه سایر متغیرها مانند درآمد، پس‌انداز، و مصرف متناظراً به دنبال آن خواهند آمد. چنین فهمی از رابطه خلق پول با اقتصاد، از قضا، با کارکرد واقعی نظام بانکی مدرن همخوان است. نظام بانکی که در آن سپرده پیش‌نیاز وام‌دهی نیست، بلکه معلول آن است. ترجمه‌اش به زبان اقتصاد این می‌شود که "سرمایه‌گذاری پس‌انداز را ایجاد می‌کند". در لایه‌های زیرین این زبان اقتصادی اما اجتماعیات غنی خوابیده که بر "اثر هماهنگی" و "توان سازمان‌دهی" دلالت دارد. با خلق پول و هدایت آن به ترکیب جدید، در واقع سازمان‌دهی بینا انسانی به طرزی سریع و بدون

discontinuous leaps استفاده می‌کند. اطراف نظریه تخریب خلاق پر است از ظرافت‌های تاریخی، تحلیلی و نهادی که این فرصت جای طرح آن‌ها نیست، با این حال نکوست که تا حدی به یکی از ابعاد مهم چگونگی این پدیده اشاره شود: "اثر هماهنگی".

اثر هماهنگی^۳ به معنای سازمان‌دهی کنش‌های انسانی از طریق تأثیرگذاری روی نظام ادراکات بین الاذهانی است به نحوی که امکان هماهنگی برای شکل‌دهی به واقعیت‌های نهادی به وجود می‌آید. یک مثال ساده، هماهنگی در یک ارکستر موسیقی است که در آن هارمونی بین کنش‌ها خلق اثر هنری می‌کند. مستقل از مهارت ایجاد شده در دستان نوازندگان، فهم مشترک هر یک از علائم موسیقایی (نت‌ها) و حرکات رهبر ارکستر و همچنین انگیزه مشترک همه آن‌ها در تبعیت از این فهم مشترک، موجب "هارمونی" است. در نظم‌های ترافیکی هم می‌تواند شرایط مشابهی را فهم کرد. و همین‌طور است تقریباً در تمامی ابعاد اجتماعی دیگر. جان سرل، چنین ظرفیتی را حیث التفاتی جمعی (*collective intentionality*) (۱۹۹۵، ۲۰۰۹) خوانده است، ظرفیتی که بشر می‌تواند از طریق آن‌ها واقعیت‌های نهادی را مستقل از وجوه فیزیکی بر اساس خصوصیتی که به لحاظ هستی‌شناختی انفسی (*ontologically subjective*) ولی از نظر معرفت‌شناختی آفاقی (*epistemologically objective*) اند، شکل دهد. از نظر او، این ظرفیت اساس تمدن بشری است. پول هم از همین سنخ

۳. اثر هماهنگی در اینجا به چیزی جز معنای هماهنگی در بازی‌های هماهنگ شونده (*coordination games*) اشاره دارد.



درواقع، در این مرحله پول فقط وسیله پرداخت است نه وسیله مبادله. آمادگی ما--چه به عنوان عرضه‌کننده نیروی کار و چه به عنوان عرضه‌کننده کالا و خدمت--برای چنین مشارکتی در ترکیب جدید درازای پول جدید، بستر اصلی اثر هماهنگی است. ترکیب جدید در سازمان‌دهی متحول شده، اثری مستقیم بر عرضه اقتصاد و افزایش جهش‌وار آن دارد. افزایشی که در روند عمومی خود متناظر است با روند افزایش پول خلق شده.

مدت‌ها پیش از اینکه فیلسوفان تحلیلی مانند سرل به تبیین حیث التفاتی جمعی در شکل‌گیری واقعیات نهادی دست زنند، و مدت‌ها قبل از اینکه اقتصاددانانی چون دسوتو (۲۰۰۰) پرده‌هایی بیشتر از هستی صرفاً معرفت‌شناختی "سرمایه" بردارند، شومپتر^۴ در تبیین خود از سرمایه‌داری پی برده بود که سرمایه چیزی فیزیکی نیست. برای سرمایه‌داری تا آنجا که قرار است، نظامی همیشه در حال تغییر براساس فرآیند تخریب خلاق باشد، سرمایه صرفاً یک "اهرم سازمان‌دهی و باز سازمان‌دهی" است که قوام‌بخش آن فقط فهم جمعی ماست نه چیزی در عالم خارج:

هزینه‌های مبادلاتی بالا می‌تواند تغییر کند.^۴ کنش‌ها به‌جای بطالت و تراحم با یکدیگر، به بهره‌وری بیشتر و هم‌افزایی تحت رهبری کارآفرینانه هدایت می‌شوند.

کارکرد حیث التفاتی جمعی ما در نهاد پول با سایر نهادها فرقی ظریف اما به‌غایت مهم دارد. باور ما به دلار یا ریال یک کیفیت نوعی (type) است، که از آن، رابطه ما با مصداق (token) مشتق می‌شود. رابطه عینی ما با ریال همواره در ۱۰۰۰ ریالی، ۵۰۰۰ ریالی، یا یک کمیت عددی، محقق می‌شود. میان باور ما به "نوع" (که کیفی است) و رابطه ما با "مصداق" (که کمی است) حجابی قرار دارد که از قضا قدرت ترتیبات پولی مدرن از آن ناشی می‌شود. ناتوانی حیث التفاتی جمعی ما به درک تفاوت ۱ ریال جدیداً خلق شده با ۱ ریال قبل از خلق ریال جدید (به‌جز از طریق آثار جانبی مانند تورم یا فروریزش اعتماد) ما را آماده می‌سازد که بر اساس انتظارات قبلی مان حاضر به مشارکت در ترکیب جدید با ریال‌های جدید باشیم، فارغ از اینکه بدانیم این ریال‌های جدید چیزی جز اعدادی جدید نیستند.

۴. چنین کارکردی از پول تاکنون مختص ترتیباتی بوده است که آن را پول سرمایه‌داری اعتباری (Capitalist Credit Money) خوانده‌اند (Ingham 2004). در بیان رایج‌تر تحت عنوان بانکداری با ذخایر ناقص شناخته می‌شود که در آن بانک‌ها پایه پولی را از مجرای ضریب تکاثری پولی وام‌دهی مجدد می‌کنند. روایت ضریب تکاثری اما روایتی خطاست (see McLeay et al. 2014).
۵. ممکن است این‌گونه برداشت شود که تأکید بر مفهوم تخریب خلاق و تا این حد پررنگ کردن شومپتر در تبیین "اثر هماهنگی" بلاوجه است از آنجاکه این مفهوم پیش‌ازاین مورد توجه پایه‌های اقتصاد خرد نظریات رشد درون‌زا بوده است. ضمن همدلی با چنین برداشتی، در ارتباط با این نقد دو دلیل در پررنگ کردن مفهوم تخریب خلاق حائز اهمیت است: (۱) این روزها از این مفهوم در تحلیل‌ها و مکتوبات زیاد استفاده می‌شود بدون اینکه به لوازم نظری روایت شومپتر بخصوص بخش "اعتبار و ترتیبات پولی" توجه شایسته شود؛ (۲) همان‌طور که در متن تحلیل آماده است، اثر اعتبار و ترتیبات پولی در عرض مؤلفه بهره‌وری نیست. در واقع شامل بر آن، مرتبط با آن، ولی مربوط به دسته‌ای متفاوت از واقعیات‌هاست، واقعیات‌هایی که به لحاظ هستی‌شناختی انفسی‌اند. بالاین حال، امکان تبیین "اثر هماهنگی" مستقل از شومپتر و با آموزه‌های اقتصاد پولی تولید همچنان وجود دارد.

It is now time to give expression to a thought which has long been awaiting formulation and which is familiar to every businessman. That form of economic organisation in which the goods necessary for new production are withdrawn from their settled place in the circular flow by the intervention of purchasing power created *ad hoc* is the capitalist economy, while those forms of economy in which this happens through any kind of power of command or through agreement of all concerned represent non-capitalistic production. *Capital is nothing but the lever by which the entrepreneur subjects to his control the concrete goods which he needs, nothing but a means of diverting the factors of production to new uses, or of dictating a new direction to production.* This is the only function of capital, and by it the place of capital in the economic organism is completely characterised. Now what is this lever, this means of control? It certainly does not consist of any definite category of goods, of any definable part of the existing supply of goods. It is generally recognised that we meet with capital in production and that it is useful in some way or other in the productive process. Hence we must also see it somewhere in operation in our case of carrying out new combinations. Now all the goods which the entrepreneur needs are on the same level from his standpoint. He wants the services of natural agents, of labor, of machinery, of raw material, all of them equally and in just the same sense, and nothing distinguishes one of these wants from the others. Of course this is not to say that there is no relevant difference at all between these categories of goods. On the contrary there are certainly differences, even though their significance was and still is overestimated by many theorists. But it is clear that the entrepreneur's behavior is the same towards all these categories: he buys all of them for money, for which he calculates or pays interest, without distinction, whether they are tools or land or labor. They all play the same part, are equally necessary for him. In particular it is quite immaterial whether he begins his production as it were *ab ovo*, that is merely buys land and labor, or whether he also acquires already existing intermediate products instead of producing them himself (1934: 116, emphasis original).



روایت فوق‌گشاینده افقی نو از نقش نهاد پول و به‌خصوص موضوع و سؤال "جهش اقتصادی" در فضای فکری اقتصاد ایران است. باین‌حال وجوه و موضوعات متعدد، دامنه‌دار و پیچیده و درخور توجهی در رابطه با امکان یا عدم امکان چنین کارکردی از نهاد پول قابل طرح و بحث است. محورهای زیر اشاراتی کوتاه به برخی از آن‌ها در محدوده این نوشتار کوتاه است:

(۱) خلق پول و گذر از محدودیت پس‌انداز شمشیری دو دم است. معادل‌توانش در شکوفایی، در ایجاد آثار مخرب نیز تواناست. زمانی که مستقل از چرخه حقیقی اقتصاد در حباب اعتباری بدمد نتیجه‌اش می‌شود تورم، رکود، ترکیدگی بدهی خصوصی (debt deflation)، و نابرابری. روندی کاملاً محتمل و تجربه‌شده که در روایت شومپیتر غایب اما امروز، پس از تعدد بحران‌های مالی، در کانون توجه مطالعات و بررسی‌های مختلف قرار گرفته است. روندهای اخیر پولی در ایران نیز، نشانگر وضعیتی مشابه است. درحالی‌که امروز مکرراً از کمبود پس‌انداز سخن به میان می‌آید، به این توجه نمی‌شود که مانده سپرده‌های بانکی (یا همان نقدینگی) طی ۴ سال بیش از ۸۰۰ هزار میلیارد تومان افزایش داشته. پس‌انداز یک متغیر جریانی است، باین‌وجود افزایش در متغیر انباره نقدینگی معنایی ندارد جز اینکه در هرسال میزان پس‌انداز به‌اندازه قابل توجهی افزایش

واقعیت معنی‌دار خلق اعتبار در پشتیبانی از رشد جهش‌وار اقتصاد، بسته به مهیا بودن سایر شرایط، نشان‌دهنده نقضی جدی در نظریات رشد نئوکلاسیکی است، که در آن رشد به شکل درون‌زا و از قبل تعیین‌شده و متکی به عوامل بنیادین طرف عرضه تصویر می‌شود. به زبان سرل، در مدل رشد نئوکلاسیکی، در یک اقتصاد شبه تهاتری، همه اجزای دخیل و مؤثر از سنخ موجودیت‌های متعین در عالم خارج (ontologically objective) اند. همان‌طور که در بیان شومپیتر روشن است، خلق منعطف پول به‌مثابه ترتیباتی نهادی را نمی‌توان در هیچ‌یک از دسته‌بندی‌های (۱) سرمایه/پس‌انداز، (۲) نیروی انسانی یا منابع طبیعی، و یا (۳) بهره‌وری جای داد. در صورت تمهید مناسب و کارآمد، این نهاد می‌تواند توأمان هر سه را دستخوش تحول کند. به چه معنا؟ اثر هماهنگی در خلق پول می‌تواند از محدودیت پس‌انداز گذر کند، یا به‌بیان‌دیگر خلق پول می‌تواند پس‌انداز متناظر را به شکل پسینی به وجود آورده و معادلش سرمایه ثابت را شکل دهد. همچنین، اثر هماهنگی خلق پول می‌تواند از محدودیت فن‌آوری، بهره‌وری، و مهارت نیروی کار عبور کند، یا به‌بیان‌دیگر اثر هماهنگی خلق پول می‌تواند نقش مثبت و معنی‌دار در ارتقاء این عوامل داشته باشد.

۶. ممکن است تصور شود که فن‌آوری از آن لحاظ که متکی به دانشی است که در ذهن افراد جای گرفته، موجودیتی انفسی است تا آفاقی است. باین‌حال باید تأکید کرد که اگرچه بخشی از فن‌آوری (غیر از متون) در ذخیره ذهنی آدمیان جای گرفته است، ولی اشخاص واجد آن را دارای کارکردی آفاقی کرده است که قابل ارجاع و مشاهده در عالم خارج است. مشابه همین وضعیت را می‌توان در مثال کنسرت موسیقی بازدید، مهارت افراد در نواختن وضعیتی آفاقی است و متفاوت از فهم مشترک آن‌ها در علائم و نشانه‌ها در نت‌ها و رهبری کنسرت.



فرصت‌هایش صرف کرده‌ایم، نه از آموزه‌های تجربیات ژاپن، کره، و چین آموخته‌ایم. مقدماتی که برای دست‌یابی به یک چارچوب سیاست‌گذاری پولی توسعه‌ای به‌غایت ضروری‌ست.

(۳) تخریب خلاق شو‌مپیتی، برای وضعیت اشتغال کامل است و توضیح اینکه چگونه وقتی رویکرد والراسی رشد را محدود به افزایش نیروی کار یا منابع طبیعی می‌داند، وضعیت تعادلی در اشتغال کامل به طریق دیگر شکسته شده و اقتصاد به سطحی بالاتر جهش می‌کند. در مقابل، امروز برای ما اشتغال کامل وضعیتی بلاوجه است، و این خود بستری آماده‌تر برای جهش است. سؤال فوری این است که با کاستی در مهارت‌های نیروی انسانی و موانع فناورانه چه کنیم؟ پیش‌تر اشاره شده که اثر هماهنگی خلق منعطف پول به‌عنوان یک نیروی جمعی پشتیبانِ خلاقیت و نوآوری بر ارتقاء هردوی این‌ها مؤثر است. تحلیل و تجزیه ساختارِ هرم زنجیره ارزش در ایران نیز، نشان می‌دهد که راهبرد جهش اقتصاد در برخی از حوزه‌های مهم که هم سهم جدی در سبد مصرفی خانوار دارند و هم در رشد اقتصادی، آن‌چنان از حیث فناورانه و مهارت‌آموزی دور از دسترس نیست. هنگامی که هدایت کلان اعتبار، در یک اقتصاد کارآفرینانه همراه با "بازارهای طراحی‌شده" در بافت اقتصاد ایران، اجرای پروژه‌های کلان‌مقیاسی چون توسعه شهری و روستایی (با اولویت بافت‌های فرسوده)، کشاورزی و اصلاح آبیاری، حمل‌ونقل عمومی و یا زیرساخت گردشگری را ممکن می‌کند، امکان توسعه مهارتی نیروی کار ضمن عملیات و

پیدا کرده. جدا از اینکه این اعداد چگونه در حسابداری ملی محاسبه می‌شوند یا نمی‌شوند، این روشن است که بر اساس تعریف اقتصادی افزایش در پس‌انداز محقق شده؛ همچنین است افزایش توان وام‌دهی بانک‌ها، البته وقتی بانک‌ها را واسطه و جوه بدانیم. نکته اینجاست که افزایش پس‌انداز به معنای واقعی رخ داد ولی سرمایه‌گذاری واقعی شکل نگرفت. قدرت خلق پول در سازوکاری بیمار (که در نوشتارهای قبلی به تفصیل به آن پرداختیم) صرف پرداخت بهره بالا به سپرده‌های بانکی و بالاسری حجیم بانکی شد. در طرف مقابل به‌جای وام‌دهی واقعی، بدهی بدهکاران بانکی برای به تعویق افتادن افشای اعسار، در اعداد بالاتر صورت‌سازی گردید.

(۲) در حالی کارکرد مثبت خلق پول در تاریخ اقتصادهای سرمایه‌داری غربی، از پیش از انقلاب صنعتی، تا حد زیادی به شکل تطوری و در طول یک بازه بیش از ۲۰۰ ساله نقش‌آفرینی کرده است، این کارکرد در جهش اقتصادهای آسیای شرقی با سرعت بسیار بالاتری، به شکلی هدفمند و در خدمت راهبردهای توسعه عمل کرده است. در اقتصاد ایران نیز هرچند ما تجربیات خام و ناموفقی از هدایت اعتبار در قالب تسهیلات تکلیفی و وام‌های ارزان‌قیمت داشته‌ایم (گو اینکه آثار آن‌ها نامطلوب‌تر از وضع موجود نبود)، اما هیچ‌گاه راهبردی انضمامی برای هدایت اعتبار در قالب یک چشم‌انداز هوشمندانه توسعه-- که بسی متفاوت از برنامه‌های بی‌خاصیت ۵ ساله توسعه می‌توانست و می‌تواند باشد-- نداشتیم. تاکنون نه همتی در شناخت ماهیت پول مدرن و تهدیدها و

غیرقابل تصفیه روبروست. مهم‌ترین آن‌ها در نظام بانکی با شکاف بیش از ۶۰۰ هزار میلیاردتومانی (تا آخر سال ۹۶) میان دارایی‌ها و بدهی‌هاست (سپرده‌ها). روشن است که امکان از بین بردن سپرده‌ها--در عین اینکه غالب آن‌ها مربوط به ثروتمندترین دهک است--وجود ندارد. لذا، یک راه بهتر منجمد کردن و میراندن آن‌ها در یک روند فزاینده از ارقام اسمی است. بنابراین یک رشد بالا بعلاوه یک تورم متوسط کارکرد بهتری در خارج کردن بدون خونریزی این غده سرطانی خواهد داشت تا بدون تورم. جدا از اینکه تورم خود می‌تواند از برخی جهات آثاری مثبت بر رشد حقیقی داشت باشد. برای این هدف، اما و اگرها و پیش‌نیازها زیاد است و قابل‌بحث. اولین و مهم‌ترین آن تحول سریع و بنیادین در نظام بانکی و در خدمت گرفتن آن برای چنین راهبردی از توسعه است.

اكتساب سریع‌تر دانش فنی دور از دسترس نیست. به‌ویژه اینکه در زمان تحدید روابط تجاری بین‌المللی کم نیستند مراکز و بنگاه‌های مشتاق در کشورهای حتی غربی که حاضرند با انتقال دانش فنی (نه لزوماً از طریق سرمایه‌گذاری بلکه خرید مستقیم) در این زمینه‌ها که در حوزه فن‌آوری‌های پیشرفته نیست، نقش آفرینی کنند. بررسی‌های اولیه حقیر و همکارانم نشان می‌دهد در صورت به‌کارگیری چنین راهبردی، یک رشد جهنده که در یک بازه ده ساله که از اعداد ۳ تا ۴ درصد شروع می‌شود و در میانه راه حتی می‌تواند به اعداد نزدیک به ۱۵ درصد در نقاط اوجش برسد دور از دسترس نیست. با در نظر گرفتن یک تورم متوسط ۱۵ درصدی، اغراق نیست که بگوییم درآمد ملی بعد از هر ۴ سال می‌تواند به‌طور متوسط بیش از دو برابر شود. درست است که داخل شدن تورم اسمی در افزایش درآمد معنای رفاهی نخواهد داشت. اما کارکردی مهم دارد. اقتصاد ایران با انباشت مطالبه

منابع:

- De Soto, H. (2000) *The Mystery of Capital: Why Capitalism Triumphs in the West and Fails Everywhere Else*. Basic books.
- Gnos, C. (2009) 'Circuit Theory Supplementing Keynes's Genuine Analysis of the Monetary Economy of Production', 'Circuit Theory Supplementing Keynes's Genuine Analysis of the Monetary Economy of Production', *The Political Economy of Monetary Circuits*, pp. 1-20. Springer.
- Ingham, G. (2004) *The Nature of Money*. John Wiley & Sons.
- McLeay, M., A. Radia and R. Thomas (2014) 'Money Creation in the Modern Economy', *Bank of England Quarterly Bulletin* : Q1.

- Schumpeter, J.A. (1934) *The Theory of Economic Development: An Inquiry into Profits, Capital, Credit, Interest, and the Business Cycle*. Vol. 55. Transaction publishers.
- Schumpeter, J.A., 1883–1950, M.C. Becker, T. Knudsen and R. Swedberg (2011[1911]) *The Entrepreneur: Classic Texts by Joseph A. Schumpeter*. Stanford, CA: Stanford University Press.
- Searle, J. (2009) *Making the Social World: The Structure of Human Civilization*. Oxford University Press.
- Searle, J.R. (1995) *The Construction of Social Reality*. Simon and Schuster.